



دانشگاه تربیت معلم تهران

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ

گرایش تاریخ اسلام

بررسی تاریخی مسأله حجاب در صدر اسلام

استاد راهنما: سرکار خانم دکتر اوحدی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر مفتخری

پژوهشگر: مهدی نوری افشان

بهمن ۱۳۸۸

«مراتب سپاس و قدردانی خود را از همه‌ی اساتید محترم دانشگاه

به خصوص خانم دکتر اوحدی و آقای دکتر مفتخری

که در روند این پایان‌نامه ضمن راهنمایی و مشاوره،

بردباری نموده و کاستی‌های مرا صبورانه تحمل کردند،

اعلام می‌دارم.»

چکیده

حجاب، از مباحث به‌روز و همیشه داغ جوامع و ایدئولوژی‌های مختلف خصوصاً در قرون معاصر بوده که اختلاف‌های قابل توجهی در مورد آن میان علما و اندیشمندان به چشم می‌خورد. اما علی‌رغم منابع متعدد در زمینه‌ی حجاب، بررسی تاریخی، پرداختن به منشأ و جایگاه اجتماعی آن در صدر اسلام کمتر مورد عنایت قرار گرفته است. به خصوص اینکه پوشش و حجاب در عرب جاهلی و اوایل ظهور اسلام (پیش از نزول آیات حجاب) به چه شکل بوده است؟ پیش از هر چیز دانستن این نکته ضروری است که عرب در زمان جاهلیت، به فراخور شرایط اقلیمی، آداب و رسوم قبیله‌ای و امکانات اندک، دارای پوششی ساده، سراسری و با رنگ‌های شفاف و روشن بوده است. در واقع اصل پوشش در میان اعراب وجود داشته، بدون اینکه تقیدی در آن دیده شود.

مسأله مهم بعد نوع دستور حجاب است که با بررسی تاریخی آن باید بدانیم نظر اسلام در این باره چیست؟ اسلام با پوشش موی سر ضمن تکمیل حجاب، نمادی برای زنان آزاده مسلمان انتخاب کرد تا سیمای جوامع مسلمان، منحصر به فرد و ویژه باشد. پس از دستور اسلام مبنی بر حجاب، امت اسلام بی‌درنگ آن را اجرا کردند به طوری که حجاب در سراسر حجاز به سرعت فراگیر شد. بنابراین حکومت اسلامی در این زمینه هیچ برخوردی با مسلمانان نداشت و در واقع استفاده از قدرت و اجبار را در جهت رواج حجاب سرلوحه‌ی امور خود قرار نداد. البته با پابندی مردم به رعایت امر حجاب و تقید مردم به اوامر و نواهی احکام اسلام احتیاجی هم به این کار نبوده است.

واژه‌های کلیدی: پوشش، جلباب، حجاب، خمار، ستر، عفت

فهرست

۱	مقدمه.....
۱۵	کلیات.....
۱۵	بیان مسأله، سؤالات و فرضیههای پژوهش.....
۱۶	سؤالات.....
۱۶	فرضیهها.....
۱۷	واژگان.....
۱۷	ستر.....
۱۸	حجاب.....
۲۲	اهمیت و ضرورت مسأله و اهداف اساسی از انجام پژوهش.....
۲۳	روش انجام پژوهش.....
۲۳	روش تحقیق.....
۲۴	روش گردآوری اطلاعات.....
۲۴	پیشینه تحقیق.....
۲۸	نقد و بررسی منابع تحقیق.....
۲۹	منابع تاریخی.....
۳۲	تفاسیر و منابع قرآنی.....
۳۶	منابع روایی.....
۳۹	منابع لغوی.....
۴۲	بخش اول: پوشش زن در جاهلیت و اوایل اسلام (قبل از نزول آیات حجاب).....
۴۴	۱-۱- پوشش زن در جاهلیت و صدر اسلام.....
۴۵	۱-۱-۱- شرایط اقلیمی شبه جزیره.....
۵۴	۱-۲- شخصیت اجتماعی زن و آداب و رسوم در جاهلیت.....
۶۵	۱-۳- بردهداری.....
۶۶	۱-۴- زنده به گور کردن دختران.....
۶۶	۱-۵- عریان طواف کردن کعبه.....
۷۰	۱-۲- اشعار جاهلی.....
۷۲	۱-۳- آیات قرآن در مورد زن جاهلی.....

۷۳	پوشش زن در سالهای نخستین اسلام	۴-۱
۷۸	نتیجه	۵-۱
۸۱	بخش دوم: نوع دستور پوشش و حجاب	
۸۴	آیه جلیاب	
۸۵	آیه کنار گذاشتن پوشش	
۸۵	آیه خمار	
۸۶	فصل اول	
۸۶	۱- نوع دستور پوشش	
۸۶	۱-۱- آیه جلیاب	
۸۷	۱-۱-۱- شأن نزول آیه	
۸۷	۱-۲-۱- شرح لغات و اصطلاحات	
۸۷	أ) جلیاب:	
۹۱	ب) یدنین علیهن:	
۹۲	۱-۳-۱- مفهوم آیه براساس آرای مفسرین	
۹۵	۱-۲- آیه کنار گذاشتن پوشش	
۹۵	۱-۲-۱- شرح لغات و اصطلاحات	
۹۶	أ) القَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ:	
۹۶	ب) غیر متبرجات:	
۹۶	۱-۲-۲- مفهوم آیه براساس آرای مفسرین	
۹۷	۱-۳- آیه خمار	
۹۸	۱-۳-۱- شأن نزول آیه	
۹۹	۱-۳-۲- شرح لغات و اصطلاحات	
۹۹	أ) یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ:	
۱۰۰	ب) غض بصر:	
۱۰۱	ج) ازکی:	
۱۰۲	د) خمر:	
۱۰۲	ه) حیوب:	
۱۰۳	۱-۳-۳- مفهوم دو آیه براساس آرای مفسرین	
۱۰۶	۴-۱- بررسی آیه حجاب	

فصل دوم.....	۱۱۰
۲- نظرات مختلف پیرامون دستور حجاب.....	۱۱۰
۲-۱- حجاب بانوان، دستوری با اهداف اخلاقی.....	۱۱۲
۲-۲- حجاب بانوان، دستوری با هدف تأمین امنیت فردی.....	۱۱۴
فصل سوم.....	۱۱۷
۳- نقد نظرات.....	۱۱۷
۳-۱- بحث حجاب شرعی.....	۱۱۷
۳-۱-۱- ازار و دامن برای بانوان.....	۱۱۷
۳-۱-۲- خمار و بالاپوش برای بانوان.....	۱۱۸
اما نکات مهمی در این زمینه قابل توجه است:.....	۱۱۹
در مجموع میتوان حجاب شرعی بانوان را شامل دو بخش دانست:.....	۱۲۴
۳-۲- پوشش سادات و بانوان.....	۱۳۳
۳-۲-۱- افراد مورد خطاب آیه.....	۱۳۵
۳-۲-۲- علت صدور آیه.....	۱۳۵
۳-۲-۳- نوع حکم موجود در آیه.....	۱۳۹
بخش سوم: بررسی اجتماعی مسأله حجاب.....	۱۴۲
۱- میزان فراگیری حجاب پس از نزول آیات.....	۱۴۳
۲- حجاب و حکومت اسلامی.....	۱۴۶
۲-۱- سیره عملی پیامبر ^ص و صحابه.....	۱۴۶
نتیجه گیری.....	۱۵۳
منابع و مأخذ.....	۱۵۶

مقدمه

حجاب از مسایل مهم مربوط به زنان بوده و اظهار نظر در مورد آن کاملاً بستگی به اعلان موضع در سایر زمینه‌های زنان و جزئیات مختلف آن خواهد داشت.

علاوه بر بعد فردی حیرت‌انگیزی که صاحبان خرد را همیشه به تعجب واداشته است (خویشتن خویش)، انسان موجودی اجتماعی نیز بوده و به تنهایی قادر به زندگی همراه با رشد نیست.

بنابراین اگر چنین مخلوقی خواهان رشد و تکامل همه جانبه است باید به تمام ابعاد وجودی خویش پردازد و اخلاق و سلامتی را در همه شؤون به دست آورده و حفظ کند.

از عبادت، ریاضت و کسب علم تا خوراک، پوشاک، خواب و ورزش در مسایل فردی گرفته تا تمرین نظم، رعایت حقوق دیگران، کمک به هم‌نوع و دفاع از آرمان‌ها و اعتقادات در مسایل اجتماعی. و این در مورد زن و مرد در اصل ماجرا یکسان و صادق است.

اما نظر اسلام که مدعی است آخرین و کامل‌ترین دین الهی و دین اعتدال است در این مورد

چیست؟

آنچه مسلم است، در بسیاری جوامع و حکومت‌های مسلمان پس از پیامبر اکرم^۶، عملاً زنان حضور مؤثر و مفیدی در اجتماع نداشته و در کنج خانه حبس بوده‌اند.^۱

^۱ رج: جرجی زیدان، تاریخ التمدن الاسلامی، مصر، مطبعة الهلال، ۱۹۰۶م، ج ۵، ص ۸۹، متز، آدام، تمدن اسلامی در قرن چهارم، ترجمه علیرضا ذکاوتی، چ ۲، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۴ش، ص ۴۰۳ و ناصری طاهری، عبدالله، مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی-اجتماعی شمال آفریقا، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۵ش، ص ۱۶۸

آیا این گونه رفتارها نسبت به زنان با نظر اسلام و روش پیامبر اکرم^۶ در اداره حکومت مطابق است؟ گزارش‌های تاریخی از حضور متعدد و مؤثر زنان در شکل‌گیری و تثبیت حکومت نبی اکرم^۶ متواتر است. کیست که نقش حضرت خدیجه^۳ در روزهای سخت مکه و بذل تمامی دارایی‌اش در راه شکل‌گیری دین جدید را انکار نماید!

ام عَمَّارة نسیبة بنت کعب، که در جنگ احد - در حالی که بسیاری پیامبر زخم‌خورده‌شان را رها کرده و از معرکه گریخته بودند - شجاعانه از رسول و مولایش دفاع می‌کرد چگونه فراموش خواهد شد!^۱

«اگر کارهایی که زنان اباذر گونه در جنگ‌ها و صحنه‌های سیاسی اسلام کردند، ده‌ها بار گفته می‌شد، به صورت فیلم تبلیغی در می‌آمد، و ده‌ها بار کتاب در آن زمینه نوشته می‌شد، آنگاه مشخص می‌شد که زنان در بیشتر مسایل نظامی در صدر اسلام همچون اباذر و مالک اشتر بودند.»^۲

در اسلام همان‌طور که فقها فتوا می‌دهند، وقتی که شهر و حوزه مسلمین مورد حمله واقع شود و جنبه صد در صد دفاعی به خود بگیرد، جهاد بر زنان نیز واجب می‌شود.^۳ در عین حال رسول اکرم^۶ به برخی از زنان در مورد کمک به سربازان و پرستاری مجروحین و حتی گاهی شرکت در جهاد اجازه می‌داد.^۴

^۱ ابن هشام، السیرة النبویة، بیروت، دارالمعرفة، ج ۲، [بی تا]، ج ۲، ص ۸۱

^۲ جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، تهران، دارالهدی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۴

^۳ مسالک، اول کتاب جهاد، شهید ثانی، زین الدین علی العاملی الجبعی، مسالک الإیفهام فی شرح شرایع الاسلام [محقق حلی]، قم، دارالهدی، ۱۳۶۳ش، اول کتاب جهاد

^۴ النیشابوری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری، صحیح مسلم (الجامع الصحیح)، بیروت، عالم الکتب، ۱۹۹۸/۱۴۱۸، ج ۵، ص ۱۹۶-۱۹۷، ابوداود سلیمان بن الأشعث السجستانی الأزدی، سنن ابی داود، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م، ج ۲، ص ۱۷، محمد بن عیسی بن سوره الترمذی، جامع ترمذی، عمان، دارالأعلام، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م، ص ۲۴۷ و نیز کتب مغازی و سیره و تواریخ صدر اسلام

آن حضرت زنان خود را - با قید قرعه- با خود به سفر و جنگ می‌برد، چنانکه برخی از اصحاب نیز به تبع ایشان این کار را انجام می‌دادند.^۱

«اسلام نه می‌گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه می‌گوید حق تحصیل علم و دانش ندارد- بلکه علم و دانش را فریضه مشترک زن و مرد دانسته- و نه فعالیت‌های اقتصادی خاصی را برای زن تحریم می‌کند. اسلام هرگز نمی‌خواهد زن بی‌کار و بی‌عار بنشیند و وجودی عاطل و باطل بار آید.»^۲

اسلام همان گونه که در پی رشد و تعالی و سلامتی تک تک افراد است، تکامل جوامع را نیز خواهان است و آنچه مسلم است زنان نیز چون مردان از ارکان و پایه‌های خانواده و جامعه هستند، چراکه همه دست‌اندرکاران و اداره‌کنندگان هر جامعه‌ای روزگاری را در دامن خانواده و تحت تعلیم و محبت پدر و مادر گذرانده‌اند. و البته در این میان نمی‌توان از نقش ویژه مادران چشم‌پوشی کرد. کار تا بدانجا پیش می‌رود که گفته می‌شود: «صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان آن جامعه نشأت می‌گیرد.»^۳

آیا این حضور زن و مرد در اجتماع باید با آزادی کامل و بدون هیچ قید و بند و محدودیتی صورت گیرد؟ و اصولاً می‌توان چنین آزادی مطلق را بدون ضایع شدن حق هیچ فردی - با توجه به روحیات سیری‌ناپذیر بشر- تصور کرد و این در جهت رشد و تکامل جوامع است؟ و یا باید یکی را فدای تحقق دیگری کرد؟

^۱ ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم البخاری الجعفری، صحیح بخاری، دمشق، بیروت، دار ابن کثیر، الیمامه، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۸م، ج ۷، ص ۴۳ و نیز تقریباً همه کتب تاریخ اسلام

^۲ مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، چ ۵۶، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۱، ص ۸۴

^۳ امام خمینی، روز زن در جمع بانوان، ۶۳/۱۲/۲۱

نظر اسلام در این باره روشن است. اسلام صراحتاً با حضور انسانی زن در جامعه موافق است، اما با اختلاط جنسی او با مرد و در واقع حضوری توأم با تحریک و تهییج و برهم زدن تعادل و آرامش جامعه مخالف است. اسلام رشد و تکامل جامعه را به حضور همراه با عفاف، حیا و تقوای زن و مرد وابسته می‌داند و این خصایص اخلاقی را (که به نوعی محدودیت به شمار می‌روند) برای قدم نهادن هر جامعه در مسیر صحیح، لازم و ضروری می‌داند.

و البته چنین نیست که هر محدودیتی ناپسند و هر آزادی ممدوح باشد. تقریباً تمامی مردم دنیا از کفش استفاده می‌کنند و با این عمل پای خود را محدود کرده‌اند، اما هیچ کس با ادعای آزادی بشر این کار را به تمسخر نگرفته است، چراکه کفش پوشیدن محدودیتی است برای محافظت بخشی از تن در مقابل آسیب‌های بیرونی. همچنین است پوشاک و مسکن و بسیاری امور دیگر.

«اگر رعایت پاره‌ای مصالح اجتماعی، زن یا مرد را مقید می‌سازد که در معاشرت روشی خاص را اتخاذ کنند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را برهم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند، چنین مطلبی را **زندانی کردن** یا **بردگی** نمی‌توان نامید و آن را منافی حیثیت انسانی و اصل آزادی فرد نمی‌توان دانست.»^۱

در واقع زن و مرد باید دارای نیرویی باشند تا آنان را در مقابل آتش افروزی شهوتشان حفظ کند، چراکه زندگی بر پایه شهوت جز زیان‌های روحی و جسمی عاید انسان نخواهد کرد.^۲

^۱ مطهری، پیشین، ص ۱۰۱

^۲ آلوشر، ماکس، روانشناسی رنگ‌ها، ترجمه لیلا مهردادپی، تهران، نشر حسام، ۱۳۸۷، ص ۶۵، میرغفوری، سید مجتبی، روانشناسی و فرهنگ پوشش، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۷، ص ۴۳، راستگو، محمد باقر، برای چشمهایت، تهران، نشر برهان، ۱۳۶۱، ص ۳۶ و ۳۷، صاحب الزمانی، محمد حسن، جوانی پر رنج، تهران، نشر عطایی، ۱۳۴۴، ص ۲۳۵

و تقوا و عفاف همان نیروی بازدارنده‌اند. «عفاف یعنی آن حالت نفسانی، یعنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان. عفاف و پاکدامنی یعنی تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن، شره نداشتن. یعنی جزو آن افرادی که تا در مقابل یک شهوتی قرار می‌گیرند بی اختیار می‌شوند و محکوم این غریزه خود هستند، نبودن. این معنی عفاف است.»^۱

اما عفاف و تقوا چگونه حاصل می‌شوند؟ و آیا الزاماً با نوع پوشش افراد مرتبطند؟

باید اذعان داشت که رفتار هر فرد بیش از کلامش از شخصیت او حکایت دارد. آیا می‌توان در مسیر ترکستان قدم نهاد ولی انتظار رسیدن به کعبه را داشت!

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی این ره که تو می‌روی به ترکستان است

چگونه می‌توان دائماً به زنان بیگانه، حرکاتشان، اندامشان و زیبایی‌هایشان نگریست، اما شهوت را بیدار نکرد؛ نهایت دقت و ظرافت را در نوع حرکت، لحن صحبت و نمایان ساختن هر آنچه آرامش روحی مردان را مختل می‌کند به کاربرد، اما در عین حال عفت و تقوا را به حد اعلی رساند. حتی اگر خود این اعمال بی‌عفتی محسوب نشوند، دست کم مقدمه آیند؛

«چگونه می‌توانیم انتظار داشته باشیم مردان محترمانه رفتار کنند در حالیکه تعداد زیادی از

زنان با بی‌عفتی خود دائماً پیام می‌فرستند که لازم نیست اینگونه باشند.»^۲

به قول شهید مطهری:

«آیا اگر پسر و دختر در محیط جداگانه‌ای تحصیل کنند و فرضاً در یک محیط درس می‌-

خوانند دختران بدن خود را بپوشانند و هیچ‌گونه آرایشی نداشته باشند بهتر درس می‌خوانند و فکر

^۱ مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، ج ۵۰، تهران، صدرا، ۱۳۸۲، ص ۲۶

^۲ مجموعه نویسندگان، فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ترجمه و خلاصه پنج کتاب، تهران، دفتر نشر معارف،

می‌کنند و به سخن استاد گوش می‌کنند، یا وقتی کنار هر پسری یک دختر آرایش کرده با دامن کوتاه تا یک و جب بالای زانو نشسته باشد؟

اگر دختران در اجتماعات عمومی لباس ساده بپوشند، کفش ساده به پا کنند و با چادر یا پالتو و روسری کامل به مدرسه و دانشگاه بروند، آیا در چنین شرایطی بهتر درس می‌خوانند یا با وضعی که مشاهده می‌کنیم؟ اصولاً اگر التذاذهای جنسی و منظوره‌های شهوانی در کار نیست چه اصراری است که بیرون رفتن زن به این شکل باشد؟ چرا اصرار می‌ورزند که دبیرستان‌های مختلط بوجود آورند؟^۱

البته منظور از این گفته‌ها این نیست که تقوا و عفاف در پوشش خلاصه شده است. به طور مسلم در میان افرادی که به زنان چشم نمی‌دوزند و دارای پوشش ظاهری مناسبی هستند نیز بی‌تقوا و بی‌عفت یافت می‌شود. اما حقیقت این است که پوشش در بدن و مراعات در لفظ و کلام نماد و نمایشگر تقوا و عفتند. حتی اگر فردی در باطن هیچ قصدی از وضعیت ظاهری نامناسبش نداشته باشد در نظر دیگران که تنها ظاهر او را مشاهده می‌کنند ماجرا متفاوت است.

بنابر این افراد اگر خواهان پیشرفت و ترقی جامعه خود هستند باید تقوا و عفت را چه در ظاهر و چه در باطن مراعات کنند تا از آرامش حاصل استفاده نموده با تمرکز بیشتر نیروی خود را صرف فعالیت‌های مفید نمایند. با نگاهی به تاریخ بشر می‌توان مشاهده نمود که نه تنها مقوله پوشش و عفت به خصوص در زنان امری عجیب و غیر طبیعی نبوده و نیست، بلکه از کثرت و وفور آن، فطری بودن آن نیز استنباط می‌شود.

«انسان در آغاز برای پوشاندن بدن خود از چیزهای طبیعی استفاده می‌کرد. نخستین بار حضرت آدم و حضرت حوا برای پوشاندن برهنگی‌های بدنشان از برگ درختان استفاده کردند.

^۱ مطهری، پیشین، ص ۸۵ و ۱۰۱

شکارچیان عصر یخ در ۲۵ هزار سال پیش، با به هم درختن پوست جانوران خود را گرم می‌کردند.^۱

در تورات -کتاب مقدس یهودیان که البته نزد مسیحیان نیز مقدس شمرده می‌شود- چنین آمده است: «و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکو و به نظر خوش‌نما و دلپذیر و دانش-افزاست، پس از میوه‌اش گرفته بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد، آنگاه چشمان هردوی ایشان باز شد و فهمیدند که عریان‌اند، پس برگ‌های انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشتن ساختند... و آدم، زن خود را حوا نام نهاد، زیرا که او مادر جمیع زندگان است و خداوند رخت‌ها را برای آدم و زنش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید.»^۲

در قرآن کریم نیز در تعبیری مشابه آمده است:

پس شیطان، آن دو را وسوسه کرد تا آنچه از شرمگاه بدنشان بر آنان پوشیده بود نمایان کند، [وسوسه‌اش این بود که به هر دو] گفت: پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر از این جهت که مبادا دو فرشته گردید، یا از جاودانان شوید.
و برای هر دو سوگند سخت و استوار یاد کرد که یقیناً من برای شما از خیر خواهانم [و قصد فریب شما را ندارم].
پس آن دو را با مکر و فریب از مقام و منزلتشان فرود آورد
[و به خوردن درخت ممنوعه نزدیک کرد]، هنگامی که از آن درخت چشیدند، شرمگاه بدنشان بر دو نفرشان نمایان شد و هر دو دست به کار چسبانیدن برگ [درختان] بهشت به خود شدند و پروردگارشان بر آن دو بانگ زد: آیا من شما را از آن درخت نهی نکردم، و به شما نگفتم:



^۱نعیمه اسلاملو... [و دیگران]، حریم ریحانه، تهران، نشر نگار نو، ۱۳۸۶، ص ۴، نقل از کلید دانش، ص ۱۹۶-۱۹۷

^۲کتاب مقدس، عهد عتیق، تهران، انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۳۶۲، سفر پیدایش، باب ۳، آیات ۶-۸ و ۲۰ و ۲۱

بی تردید شیطان برای شما دشمنی آشکار است؟!



طبق آنچه در هردو کتاب مقدس تقریباً به طور یکسان آمده می توان چنین نتیجه گرفت که این احساس شرم از برهنگی بدون اینکه ناظری بیگانه در کار باشد و سرعت در پوشاندن خود به وسیله برگها، از آن جهت که تحت هیچ آموزش یا فرمانی از جانب خداوند رحمان یا فرشته وحی و یا حتی تذکر هریک به دیگری صورت گرفته است، بیانگر فطری بودن پوشش در انسان بوده و ثابت می کند که لباس و پوشش به تدریج و بر اثر تمدن ها ایجاد نشده است، بلکه انسان های نخستین و به تعبیر بهتر نخستین انسان ها به طور فطری بدان گرایش داشته اند.

«بنا به گواه متون تاریخی نیز در اکثر قریب به اتفاق ملت ها و آیین های جهان، پوشش در بین زنان معمول بوده است. هر چند پوشش در طول تاریخ فراز و نشیب های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان تشدید یا تخفیف یافته است، ولی هیچ گاه بطور کامل از بین نرفته است. مورخان به ندرت از اقوام بدوی که زنان شان دارای پوشش مناسب نبوده و یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می شدند یاد می کنند.»^۲

^۱(اعراف / ۲۰-۲۲)

^۲نعیمه اسلاملو، پیشین، ص ۲

مؤدودی به شدت به افرادی که می‌پندارند انسان‌های نخستین نیز همانند حیوانات به صورت عریان زندگی می‌کردند و زنان در آن هنگام پوشش نداشته‌اند، اعتراض کرده می‌نویسد: «آن‌ها تصور کرده‌اند که فطرت انسان نیز همانند حیوانات است.»^۱

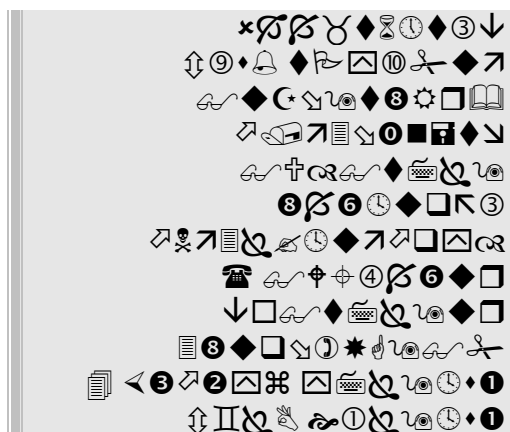
دانشمندان، تاریخ حجاب و پوشش زن را به دوران ماقبل تاریخ و عصر حجر نسبت می‌دهند، کتاب **زن در آینه تاریخ** پس از طرح مفصل علل و عوامل تاریخی حجاب می‌نویسد: «با توجه به علل ذکر شده و بررسی آثار و نقوش به دست آمده، پیدایش حجاب به دوران پیش از مذاهب مربوط می‌شود، و به این دلایل، عقیده عده‌ای که می‌گویند مذهب موجد حجاب می‌باشد صحت ندارد، ولی باید پذیرفت که در دگرگونی و تکمیل آن بسیار مؤثر بوده است.»^۲

در واقع اگر مقصود از حجاب، پوشانیدن تن و بدن است، این وضع پیش از اسلام و حتی پیش از ظهور دیانت مسیح معمول بوده و دیانت مسیح هم تغییری در آن نداده و تا اواخر قرون وسطی در اروپا معمول بوده و آثار آن هنوز در خود اروپا باقی مانده است.

فرمان اسلام مبنی بر پوشش زنان و مردان نیز در جهت همین امر فطری است. در سوره‌ی

مبارکه‌ی اعراف خداوند رحمان به بشر چنین خطاب می‌کند که:

ای فرزندان آدم! به یقین ما برای اندام شما جامه‌ای نازل کردیم تا شرمگاهتان را بپوشاند و جامه‌ای دیگر تا زیب و زیوری باشد برای شانها و بازوهایتان و جامه تقوا که زشتی و پلیدی را به وجود شما راه ندهد بهتر از جامه ستر است که زشتی را نماند می‌سازد. این شرح و بیان از آیات خداوند است که خاطر نشان کردیم باشد که پند-گیرند.



^۱ ابوالاعلی مؤدودی، الحجاب، بیروت، دارالثقافة، ۱۹۷۷، ص ۱۴۰، علیپور باغبان نژاد، یوسف، حجاب آزادی یا

اسارت، چ ۳، تبریز، نشر احرار، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲

^۲ علویقی، علی اکبر، زن در آینه تاریخ، تهران، مقدمه، ۱۳۵۷

ای فرزندان آدم! به هوش باشید. مبدا شیطانان با وسوسه و دغل بفریید که جامه خود بر زمین نهید و در برابر مردم عریان شوید. شیطان می‌خواهد با این نیرنگ و فریب شایستگی بهشت را از شما سلب کند همان‌طور که پدر و مادر شما را با وسوسه خود خام کرد و از بهشت برون کرد. شیطان جز این کاری نکرد که با خوراندن از درخت ممنوعه جامه ساتر آنان را از تنش برون کرد تا شرمگاه آندو برای هم آشکارا شد و شایستگی حضور در بهشت را از کف دادند و هبوط کردند. شیطان و همزادان او شما را می‌نگرند از آن‌جایی که شما قادر به رؤیت آنان نمی‌باشید. ما شیاطین را مولا و یاور آن کسانی قرار داده- ایم که ایمان نمی‌آورند.



«در این آیه خداوند رحمان به آن کسانی که دیروز برای زیارت کعبه حاضر شده و با اندام عریان طواف می‌کردند و امروز انجمن لختیان تشکیل می‌دهند سفارش می‌کند که جامه‌ای بر اندام زیرین بپاریند تا شرمگاهشان مستور شود و چه بهتر که یک جامه هم بر دوش خود بپاریند تا بر و بازویشان زینت یابد و از حال توحش و شیوه حیوانیت خارج شوند.»^۲

البته برخی به سختی با این نظر مخالف بوده و پوشش را حربه‌ای از جانب مردان و یا حکومت‌های مردسالارانه می‌دانند که در جهت تحقیر، سرکوب، عقب‌ماندگی و استعمار زنان از آن استفاده می‌کنند.

^۱ (اعراف / ۲۶ و ۲۷)

^۲ بهبودی، محمد باقر، معارف قرآنی، تهران، نشر سرا، ۱۳۸۰، ص ۵۳

اگر فرض بر صحت این نظر باشد؛ بنابراین هم‌اکنون باید اوضاع و شرایط زندگی جوامع موجود که زنان عریان یا نیمه عریان با آزادی کامل اجازه رفت و آمد داشته و در هرگونه ایجاد رابطه آزادند، متعادل بوده و زنان و مردان مشغول فعالیت‌های مفید اجتماعی باشند و زن نیز در این میان به حقوق از دست رفته خود رسیده باشد. جوامعی که در آنها علی‌رغم چنین شرایطی (در زمینه پوشش)، عفت و تقوا در حدی معقول و قابل قبول دیده شده و تن‌های عریان، آرایش‌های زیبا، رفتارهای بی‌قید و شرط و روابط آزادانه افراد عادی بوده و به خشونت، ناامنی و بی‌حیایی منجر نشود.

در این خصوص اما نوشته‌ها، شواهد و آمار سخنی دیگر دارند؛ کتاب فمینیسم در آمریکا مجموعه‌ای از این آمار را ارائه داده که با توجه به تاریخ آن‌ها (که بنا به گفته‌ی خود کتاب مربوط به دو دهه‌ی گذشته بوده و از نگارش خود کتاب نیز حدود شش سال می‌گذرد) باید گفت که اکنون این آمار به طور وحشتناکی افزایش یافته و به طور حتم با آمار ارائه شده قابل قیاس نیست. از موارد ذکر شده در این کتاب می‌توان به آمارهای باورنکردنی تجاوز به عنف به خصوص در مورد کودکان، نگرانی دائم زنان از تجاوز، تعداد نوزادان نامشروع و بسیاری موارد دیگر از این قبیل اشاره کرد.^۱

«بدیهی است وقتی اجازه دادیم هر کاری آزاد باشد، آزار جنسی، مزاحمت‌ها و تجاوز به عنف هم افزایش پیدا می‌کند. جامعه‌ای که علیه شرم و حیا اعلام جنگ کرده، دشمن زنان است. وقتی در ماساچوست و ورمونت جرم دزدیدن یک گاو از جرم تجاوز به یک دختر سنگین‌تر است و یا در ایلی‌نویز اصولاً جرم محسوب نمی‌شود به این نتیجه می‌رسیم که (ما زنان) مدت‌های طولانی است که قربانی فرومایگی هستیم.»^۱

^۱ فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۲۰-۳۶

انسان بی‌غرض اذعان دارد که در عمل عدم پوشش و آزادی بدون حصر با حفظ عفت و تقوا سازگار نیست، و این روش نه تنها برای آتش شهوت (که فلج‌کننده رفتارها و فعالیت‌های مفید اجتماعی است) آب نیست، بلکه هیزمی است که بر التهاب آن می‌افزاید.

اتفاقی که در جوامع غربی رخ داده است بالا رفتن آستانه‌ی رضایت‌مندی آنان است، به همین جهت دیگر زن و مرد برای یکدیگر کافی نبوده، و از همین رو به هم‌جنس‌بازی رو آورده و آن را قانونی کردند. اما از آنجا که گزینه‌ی شهوت‌سیری ناپذیر است، زمانی است که ارتباط جنسی با حیوانات و حتی اشیا مورد توجه آنان قرار گرفته و اکنون نمی‌داند با این گزینه سرکش چه کند. یعنی در واقع روز به روز آستانه تحریک‌پذیری انسان غربی بالاتر رفت ولی به آرامش نرسید.

«اگر بر فرض مرد با این آزادی‌ها سیر شود، آن جامعه به یک جامعه بیمار تبدیل شده که در آن ازدواجی رخ نخواهد داد. وقتی مرد بپذیرد که بنگرد و زن بپذیرد که نگریسته شود، همان طور که جان برگ می‌گوید: «مردان به زنان می‌نگرند و زنان به خود نگاه می‌کنند.» آیا چیز دیگری برای دفاع باقی می‌ماند؟ چرا مرد به خانه و خانواده وفادار باشد؟ اصلاً چرا خانه و خانواده شکل بگیرد؟ استحکام خانواده مفهومی نخواهد داشت.»^۲

نوشته‌هایی انتقادی از سوی جامعه‌شناسان و صاحب‌نظرانی که در متن جوامع غربی رشد یافته‌اند، شاید خود دلیلی بر فطری بودن پوشش و حجاب باشد، و شاید به همین دلیل است که رفته رفته میل دوباره به پوشش در همین انسان‌ها رو به افزایش است.

^۱ همان، ص ۳۶

^۲ حریم ریحانه، ص ۹۰، به نقل از لیندزی کان

«این بازگشت به پاکدامنی در پوشش، تنها متعلق به کشورهای اسلامی نیست. چنین به نظر می‌رسد که در آمریکا نیز یک انقلاب متقابل در زمینه پوشش از حدود سال ۱۹۸۹ آغاز شده است. مجله تایم از موج عظیم گرایش به پاکدامنی سخن به میان می‌آورد و نشریه پوشش زنان گزارش می‌دهد که تقاضا برای لباس‌های پوشیده سال به سال افزایش می‌یابد و این افزایش به سبب تغییراتی است که در حال هوای اجتماعی پدید آمده است.»^۱

در هر حال اسلام نه به حبس زنان در خانه توصیه می‌کند، و نه اختلاط زن و مرد در جوامع را می‌پذیرد. «آنچه اسلام به عنوان یک امر اخلاقی توصیه می‌کند این است که: تا حد ممکن اجتماع مدنی غیر مختلط باشد.»^۲

اسلام در چندین آیه از قرآن کریم دستورات لازم را در مورد حفظ عفت و پاکدامنی - به عنوان مقدمه‌ای برای رسیدن به تقوا - و نوع پوشش مرد و زن ارائه کرده و اصل مسأله‌ی پوشش در اسلام علی‌رغم شبهاتی که در این سال‌ها - به خصوص - به حجم آن بسیار افزوده شده اصلی قابل اثبات و مسلم است. بنابر این دستور حجاب و رعایت آن از احکام ضروری و قطعی دین اسلام است (همان‌گونه که در ادیان دیگر نیز چنین است)، به خصوص در زمانه‌ای که حجه‌ها برای سرکوبی فرهنگ اسلام به نهایت خود رسیده و حفظ حجاب و صدور آن از عوامل سربلندی اسلام خواهد بود.

با این همه در مورد جزئیات، فلسفه و نوع دستور حجاب اختلاف نظرها دائمی و اجتناب ناپذیر است. همچنان‌که دو مورد از آن‌ها (متفاوت بودن مسأله پوشش موی سر و گردن با دیگر

^۱فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۷۰

^۲مطهری، پیشین، ص ۲۱۶